

تروریسم زیست‌محیطی: تحلیل ساختارشناختی انواع و مرتکبان آن

علی مشهدی^۱

بهنام سالم^۲

امید نیاقی^۳

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۰۱/۲۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۰۹

چکیده

تروریسم زیست‌محیطی در مفهوم به‌کارگیری عوامل زیست‌محیطی در حملات تروریستی به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین اشکال تروریسم مدرن شناخته می‌شود. تاکنون، هیچ نظریه‌ای قطعی در ارتباط با چرایی تمایل به استفاده از این عوامل در جریان حملات تروریستی به‌اثبات نرسیده است. آنچه به‌نظر می‌رسد هسته مرکزی اغلب این حملات را تشکیل می‌دهد، تلفات جمعی با آثار همه‌گیر شدن (اپیدمیک) و ایجاد هرج‌ومرج و شرایط غیرطبیعی در اوضاع جامعه و کمی فراتر در کل جهان است؛ امری که در اغلب این حملات تحقق یافته است. مهم‌ترین اهداف در ورای این حملات انتقام‌گیری حاصل از شکست در ابراز وجود در عرصه سیاست و اجتماع و نیز تحقق‌بخشیدن به ظهور جهانی آرمانی و عاری از شیطان و نیروهای شیطانی است؛ امری که به نحو مبهمی با برخی اندیشه‌های آخرالزمانی ممزوج شده است. افزایش تعداد فرقه‌های آخرالزمانی با برداشت‌های سوء از مذاهب متعدد و ترکیب آنان و در نتیجه ارائه قرائتی غیرقابل‌پذیرش به‌لحاظ عقلی در کنار تمایل شدید آنان به استفاده از عوامل زیست‌محیطی و به‌ویژه عوامل زیستاری (بیولوژیکی) ما را بر آن داشته است تا به بررسی یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین ابعاد تروریسم زیست‌محیطی بپردازیم. هدف اصلی در این پژوهش، واکاوی عوامل گرایش به تروریسم زیست‌محیطی و به‌ویژه استفاده از عوامل زیستاری (بیولوژیکی) از نظر مبنایی و نیز ماهیت مرتکبان آن است. درحقیقت، در این پژوهش در مقام ارائه یک الگوی شخصیتی از مرتکبان تروریسم زیست‌محیطی هستیم. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از وجود اختلالات روان‌شناختی، ذهنیتی بنیادگرا و آخرالزمانی و انگیزه‌های انتقام‌جویی مذهبی در برابر حکومت‌های سکولار و غیردینی در مرتکبان تروریسم زیست‌محیطی است.

کلیدواژه‌ها

تروریسم؛ محیط‌زیست؛ بیوتروریسم؛ امنیت زیست‌محیطی

۱. دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه قم، ایران droitenviro@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه قم، ایران behnamsalem@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران dimoighain@yahoo.com

مقدمه

امروزه ارتباط و هم‌گرایی میان مفهوم امنیت بین‌المللی و نگرانی‌های زیست‌محیطی بیش‌ازپیش خود را نشان می‌دهد. همین امر موجب شده است که شاهد ادبیات متمایزی درخصوص مفهوم امنیت بین‌المللی باشیم. چنانکه درحال‌حاضر، تعاریف ارائه‌شده درباب امنیت زیست‌محیطی متضمن پیکره گسترده‌تری از تهدیدات علیه محیط‌زیست طبیعی است. مباحث مرتبط با محیط زیست با حیات جمعی انسان ارتباطی مستقیم دارد. چرا که، وارد شدن هر عارضه‌ای بر محیط زیست متعاقباً بر حیات انسانی اثری زیانبار نیز به‌دنبال دارد. به‌همین جهت، میان مسائل زیست‌محیطی و موضوعات مرتبط با توسعه و امنیت واحدهای سیاسی ارتباطی مستقیم وجود دارد (کاویانی‌راد، ۱۳۹۰: ۸۶). دراین‌میان، تروریسم زیست‌محیطی با ماهیتی متفاوت نسبت به دیگر اشکال تروریسم به‌عنوان یکی از همین تهدیدات شناخته شده است.

پژوهشگران امریکایی، تروریسم را به سه دسته تقسیم نموده‌اند. به گفته آنان انواع تروریسم عبارت است از: تروریسم ذهنی (فکری) و جنایی؛ تروریسم انقلابی، فروانقلابی و ظالمانه و تروریسم هسته‌ای، اقتصادی، فناورانه، زیست‌محیطی و غیره (Kukhianidze, ۲۰۱۶: ۴). درحقیقت، تغییر عوامل و مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و به‌ویژه مذهبی دست به دست هم داده است که امروزه به‌ویژه از دوران جنگ سرد به بعد شاهد شکل دیگری از تروریسم به‌ویژه ازسوی گروه‌های تروریستی (و نه دولت‌ها) باشیم؛ یعنی شکل دیگری با ویژگی‌ها، ماهیت، اهداف و خطرات عمدتاً متفاوتی نسبت به دیگر اشکال تروریسم. این شکل متفاوت از تروریسم تحت عنوان تروریسم زیست‌محیطی نامیده می‌شود.

مطالعات کمی درخصوص تحلیل این مسئله وجود دارد که چرا گروه‌ها این‌گونه تسلیحات را تأمین و استفاده می‌کنند. بااین‌وجود، تعدادی از مشاهدات دراین‌خصوص وجود دارد. برای مثال، ایدئولوژی یک نقش تعیین‌کننده را در اهداف و روش کارگروه ایفا می‌کند. استفاده از تسلیحات شیمیایی، زیستاری (بیولوژیکی)، رادیولوژیکی و هسته‌ای^۱ ممکن است در دستور

۱. Chemical, biological, radiological and nuclear (CBRN)

کار ایدئولوژیکی یک بازیگر غیردولتی قرار گیرد یا خیر، یا دربرگیرنده اهداف عملیاتی کلی و مشخص باشد. براساس بخشی از وقایع رخ داده با استفاده از تسلیحات شیمیایی، زیستاری (بیولوژیکی)، رادیولوژیکی و هسته‌ای، شماری از گروه‌های ایدئولوژیکی به‌عنوان گروه‌هایی شناسایی شده‌اند که ممکن است برای دست‌یافتن به اهدافشان از خشونت استفاده نمایند. این گروه‌ها عبارتند از: ملی‌گرایان^۱، جدایی‌طلبان^۲ یا گروه‌های بازپیوندخواه (الحاق‌جو)^۳، گروه‌های بنیادگرای مذهبی، جنبش‌های مذهبی جدید آخرالزمانی یا هزاره‌گرا، گروه‌های راست‌گرا، و گروه‌های اجتماعی انقلابی یا چپ‌گرای سکولار (Meulenbelt and Nieuwenhuizen, ۲۰۱۵: ۸۳۶). اگرچه گروه‌های هزاره‌گرای آخرالزمانی یا جنبش‌های جدید مذهبی دارای مشابهت‌هایی با گروه‌های بنیادگرای افراطی مذهبی هستند، با این حال، گروه‌های آخرالزمانی ضرورتاً به دنبال تغییر نیستند، در عوض، آنها دنبال بسترسازی زمینه‌های آخرالزمان یا تخریب جهان هستند. رهبران چنین گروه‌هایی ممکن است استدلال کنند که استفاده از تسلیحات شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی و هسته‌ای می‌تواند سرآغازی برای آخرالزمان باشد. بنابراین، دیدگاه آنها مبنی بر پاکسازی جهان، شیطانی است (Ferguson, ۲۰۰۹: ۳۹). شناسایی دقیق این پدیده و تدابیر لازم برای مقابله با این شکل از تروریسم مستلزم شناختی دقیق نسبت به اجزای این شکل از تروریسم، نحوه وقوع آن و مرتکبان آن است. به همین جهت، در این پژوهش در مقام ارائه یک نمونه (مدل) شخصیتی از مرتکبان تروریسم زیست‌محیطی هستیم و می‌خواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که چه نوع تفکر و باورهایی در چارچوب نمونه شخصیتی مرتکبان تروریسم زیست‌محیطی به وقوع این شکل از تروریسم از سوی آنان منجر می‌شود؟ فرضیه اولیه این پژوهش مبتنی بر وجود اختلالات روان‌شناختی به‌ویژه اختلالات پارانوئیدی، ذهنیت و تفکرات بنیادگرایانه و آخرالزمانی و باور به داشتن رسالتی نبوی جهت پاکسازی جهان از نیروهای شیطانی در مرتکبان تروریسم زیست‌محیطی است.

-
۱. Nationalist
 ۲. Separatist
 ۳. Irredentist Groups

پیشینه پژوهش

تاکنون، مطالعات متعددی به شناسایی ویژگی‌های گروه‌های تروریستی و چرایی استفاده این گروه‌ها از عوامل زیست‌محیطی پرداخته‌اند. در یکی از این مطالعات، «جفری سیمون»^۱ این‌گونه اظهار داشته است که گروه‌های تروریستی زیست‌محیطی دارای شماری از ویژگی‌ها به‌ترتیب ذیل هستند (Simon, ۱۹۸۹: ۱۷):

- عدم وجود نهادی که واکنش احتمالی آن به حملات زیست‌محیطی مانع تلاش گروه‌های تروریستی شود؛

- وجود الگوی سابق از حوادثی در مقیاس گسترده و همراه با خسارات حداکثری؛

- نمایش میزانی خاص از پیشرفت در تسلیحات یا تاکتیک‌ها؛

- تمایل به خطر.

این معیارها تاحدزیادی مطابق با خصوصیات گروه‌هایی است که تمایل به وارد آوردن تلفات جمعی با استفاده از عوامل زیست‌محیطی دارند. فهرست «سیمون» نمی‌تواند کمک زیادی در شناسایی گروه‌هایی با انگیزه‌های جایگزین نماید.

مطالعه دیگر در این زمینه در پیش‌نویس گزارش تهیه‌شده توسط مجمع آتلانتیک شمالی در ارتباط با تسلیحات شیمیایی و بیولوژیکی دیده می‌شود. این گزارش فهرستی از گروه‌هایی را ارائه می‌دهد که احتمالاً به استفاده از تسلیحات بیولوژیکی متوسل می‌شوند (Draft report of the North Atlantic Assembly, ۱۹۹۶):

- آنهایی که اهدافشان مشتمل بر مفاهمی مبهم درباره انقلاب جهانی و اهداف

جهان‌شمول‌گراست؛ از قبیل ارتش سرخ ژاپن و برخی از گروه‌های چپ‌گرای افراطی اروپایی؛

- آنهایی که غافل از آثار افکار عمومی هستند؛ از قبیل گروه‌های نئونازی در اروپا و

امریکای شمالی؛

- آنهایی که به‌لحاظ ایدئولوژیکی مخالف جامعه غرب به‌طور کلی هستند؛

۱. Jeffrey Simon

- آنهایی که به جهت پیچیدگی در تسلیحات یا تاکتیک‌هایشان مورد توجه هستند؛ از قبیل جبهه مردمی برای آزادی فلسطین؛

- آنهایی که دارای حامیان دولتی هستند، به‌ویژه در مواردی که حامی مزبور دارای تسلیحات شیمیایی یا بیولوژیکی است.

همچنین، «کریستوفر هوز»^۱ (۲۰۰۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان «اوم شینریکیو»^۲ در ژاپن، ماهیت در حال تغییر تروریسم، و دستور کار امنیتی پس از جنگ سرد^۳ این‌گونه استدلال نموده است که تروریسم در دهه ۹۰ به دلایلی نظیر گسترش ظرفیت و قدرت مخرب تسلیحات، فرسایشی عمیق در موانع میان امنیت داخلی و خارجی و توانایی از میان‌بردن مشروعیت نهادهای امنیتی موجود دچار تغییراتی کیفی شده است. او در ادامه فرقه «اوم شینریکیو» را محور قرار داده و ویژگی‌های این فرقه را به‌عنوان پدیده‌ای تروریستی منعکس‌کننده ماهیت دستورکار امنیتی پس از جنگ سرد به‌عنوان یک کلیت و همچنین درس‌های سیاسی گرفته‌شده از حملات متروی توکیو به‌منظور شناسایی و مقابله با چالش‌های امنیتی جدید از سوی نهادهای امنیتی مورد توجه قرار داده است.

«جانانان بی. تاکر»^۴ (۱۹۹۹)، در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «روند تاریخی بیوتروریسم، یک تحلیل تجربی»^۵ تجزیه و تحلیلی مقدماتی و پایه‌ای را با تأکید بر پایگاه داده‌های «مونتری»^۶ در خصوص تروریسم با استفاده از تسلیحات کشتار جمعی جهت شناسایی الگوهای تروریسم بیولوژیکی در طول زمان و نیز انگیزه‌های مرتکبین، عوامل مورد استفاده در این‌گونه حملات و گروه‌های هدف آنها انجام داده است. وی با لحاظ نمودن متغیرهایی نظیر گونه‌شناسی افراد و گروه‌هایی که به‌دنبال به‌دست آوردن عوامل عفونت‌زا و سمی می‌باشند و هدف آنها از این امر

۱. Christopher W. Hughes

۲. Aum Shinrikyo

۳. Japan's Aum Shinrikyo, the Changing Nature of Terrorism, and the Post-Cold War Security Agenda

۴. J. B. Tucker

۵. Historical Trends Related to Bioterrorism: An Empirical Analysis

۶. Monterey Database

بدین نتیجه انجامید که حوادث احتمالی تروریستی مبتنی بر استفاده از عوامل بیولوژیکی در آینده مشتمل بر حملاتی مصنوعی (استفاده از بیوتروریسم به عنوان یک حقه) و نیز حملاتی در مقیاس‌های کوچک نظیر آلوده نمودن مواد غذایی خواهد بود. او همچنین این نکته را نیز خاطر نشان می‌سازد که انتشار و گسترش فناوری‌های دوگانه مرتبط با تولید عوامل بیولوژیکی و سمی و در دسترس بودن بالقوه آنها به‌ویژه برای دانشمندان و مهندسان فعال در برنامه‌های جنگ‌های بیولوژیکی پیشرفته سابق همانند آنهایی که در شوروی سابق و آفریقای جنوبی حضور داشتند، بیانگر ازمیان رفتن موانع فنی برای تحقق تروریسم همراه با ایجاد تلفات جمعی گسترده است.

«گوران بلوجویچ و ولادان رادوساولجویچ»^۱ (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان «یک مدل جدید در ارتباط با ارزیابی خطر بیوتروریسم»^۲ در مقام تنظیم و ارائه چارچوبی برای تشریح سناریوهای مختلف حملات بیوتروریستی برآمده‌اند. آنها حملات بیوتروریستی را به سه دسته تقسیم‌بندی می‌کنند: حملات راهبردی (مقیاس بزرگ)، حملات عملیاتی (مقیاس متوسط) و حملات تاکتیکی (مقیاس کوچک). آنها حملات بیوتروریستی را همچون نمونه (مدل) زنجیره‌ای چهار جزئی تشریح می‌کنند که شامل مرتکبان، عوامل، ابزار انتشار و اهداف می‌شود. همچنین، نویسندگان در این مقاله به معرفی یک نماد (الگوی) امتیازده ارزیابی خطر بیوتروریسم نیز پرداخته‌اند و این نمونه (مدل) را به عنوان یک چارچوب قابل اعمال به‌ویژه برای متخصصان و تصمیم‌گیران امور سلامت و بهداشت و امور امنیتی که کم‌ترین آشنایی را با مسائل مرتبط با ارزیابی خطر دارند، ارائه نموده‌اند.

مبانی نظری پژوهش

مطالعاتی که تاکنون در زمینه تروریسم زیست‌محیطی و علت‌شناسی استفاده از عوامل زیست‌محیطی در حملات تروریستی صورت گرفته است و نمونه‌هایی از آنها نیز در سطور فوق مورد اشاره قرار گرفت، عمدتاً یا مصادیق و خصوصیات گروه‌های تروریستی را بیان

۱. Belojevic & Radosavljevic

۲. A New Model of Bioterrorism Risk Assessment

نموده‌اند، یا ساختار اینگونه حملات و چگونگی واکنش به آنها از سوی دولت‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند و یا به پیش‌بینی حوادث تروریستی درآینده با استفاده از آمارهای سازمانی پرداخته‌اند. مقاله مزبور پا را فراتر از این نهاد و با ارائه ترکیبی از ویژگی‌های مطالعات مزبور به ارائه نمونه شخصیتی از مرتکبان تروریسم زیست محیطی می‌پردازد. بدین ترتیب، ابتدا و به‌طور مختصر سه نماد موجود در ارتباط با تجزیه و تحلیل حوادث تروریستی را بیان می‌کنیم و سپس با مبنای قرارداد یکی از آن نمادها به تشریح پرسش پژوهش و پاسخ بدان خواهیم پرداخت.

به‌طور کلی، نظریاتی را که تاکنون در راستای توضیح علت‌شناختی تروریسم زیست محیطی در بستر آخرالزمانی ارائه شده است می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: رویکرد پایین به بالا که به ویژگی‌های فردی تروریست‌ها و گروه‌های تروریستی می‌پردازد و رویکرد بالا به پایین که ریشه‌های تروریسم را ناشی از اوضاع نامساعد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌داند (Victoroff, ۲۰۰۵: ۱۱). تفاوت این دو رویکرد در محوریت فرد یا گروه است. اگرچه در رویکرد نخست، محوریت با فرد است اما در رویکرد دوم، محوریت با گروه و زندگی گروه است.

در ارتباط با رویکرد پایین به بالا باید این‌گونه اظهار داشت که در اواخر دهه ۱۸۹۰ و اوایل دهه ۱۹۰۰، «زیگموند فروید»^۱ و معاصرانش، از جمله «کارل یونگ»^۲ و «آلفرد آدلر»^۳ رویکردهای مختلفی را در راستای درک رفتار انسانی توسعه داده‌اند که به‌طور کلی از آن به‌عنوان رویکرد روان‌پویشی^۴ یاد می‌شود (Makari, ۲۰۰۸: ۱۷۴-۱۷۸, ۲۵۳-۲۶۰).

براساس گفته فتحعلی مقدم (روانشناس)، فروید بالاترین اولویت را بر زندگی گروه و اهمیت تأثیرگذاری گروه بر فرد قرار داده است. یک رهبر کاریزماتیک همواره گروه را هدایت می‌کند و از طریق ایجاد تصور محبت و دوستی میان اعضا موجب انسجام‌بخشی آنها می‌شود.

۱. Sigmund Freud

۲. Carl Jung

۳. Alfred Adler

۴. Psychodynamic approach

این محبت و دوستی با اعضای گروه همواره با تنفر نسبت به افراد خارج از گروه به تعادل می‌رسد (۱۷ - ۱۶: Moghaddam, ۲۰۰۶). در نتیجه، این امر موجب می‌شود که از یک طرف، اعضای گروه به طور آگاهانه متمایل به سازش و توافق میان یکدیگر شده و از طرف دیگر به نحوی ناآگاهانه تنفر نسبت به افراد خارج از گروه در بستر بی‌عدالتی‌های موجود در جامعه تقویت و برجسته‌تر شود. برعکس رویکرد قبل، در رویکرد بالا به پایین عوامل بیرونی مبتنی بر جامعه و نیز شرایط سیاسی هستند که زمینه‌های اقدامات خشونت‌آمیز را فراهم می‌کنند. به همین اعتبار این رویکرد، خود، متضمن دو نظریه فرعی دیگر است که عبارتند از: محرومیت نسبی و موقعیت‌گرایی.

در مقابل دو رویکرد مزبور، رویکرد سوم نیز وجود دارد که براساس آن حافظ و «مولینز» به‌منظور توضیح چرایی تبدیلی افراد عادی به تروریست‌های سیاسی با دورشدن از نمونه‌های قدیمی فرایندی در مقام بیان نمادی دیگر تحت عنوان جورچین (پازل) افراط‌گرایی هستند. جورچین (پازل) آنها ترکیبی از عواملی است که جمع آنها منجر به افراط‌گرایی خشونت‌آمیز می‌شود: نارضایتی‌های شخصی و جمعی، شبکه‌ها و روابط میان‌فردی، ایدئولوژی‌های سیاسی و مذهبی، محیط‌های فعال و ساختارهای حمایتی قطعات این جورچین (پازل) هستند (Hafez and Mullins, ۲۰۱۵: ۹۵۹).

ما در این پژوهش، با مبنای قرارداد قطع ایدئولوژی‌های مذهبی از قطعات رویکرد جورچین (پازل) حافظ و «مولینز» به تبیین نمونه شخصیتی مرتکبان تروریسم زیست‌محیطی با ایدئولوژی آخرالزمانی می‌پردازیم. درحقیقت، در این پژوهش در مقام ارائه یک نمونه شخصیتی از مرتکبان تروریسم زیست‌محیطی هستیم و می‌خواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که چه نوع تفکر و باورهایی در چارچوب نمونه شخصیتی مرتکبان تروریسم زیست‌محیطی به‌وقوع این شکل از تروریسم ازسوی آنان منجر می‌شود؟ فرضیه اولیه این پژوهش مبتنی بر وجود اختلالات روان‌شناختی به‌ویژه اختلالات پارانوئیدی، ذهنیت و تفکرات بنیادگرایانه و آخرالزمانی و باور به داشتن رسالتی جهت پاکسازی جهان از نیروهای شیطانی در مرتکبان تروریسم زیست‌محیطی است. بدین‌منظور، ابتدا تعریفی از ایدئولوژی در رویکرد مزبور ارائه داده و سپس به تبیین مفاهیم تروریسم زیست‌محیطی و تروریسم مذهبی و آخرالزمانی خواهیم

پرداخت. در ادامه نیز، پس از بیان عوامل و ساختار حملات تروریستی زیست محیطی به تبیین نمونه شخصیتی مرتکبان تروریسم زیست محیطی در چارچوب مطالعه موردی فرقه «اوم شینریکیو» خواهیم پرداخت.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و به نحو توصیفی - تحلیلی خواهد بود. لازم به ذکر است مطالعه مزبور با نگاه به گروه‌های تروریستی زیست محیطی از دهه ۱۹۵۰ تاکنون و مبتنی بر داده‌های پایگاه «مونتری» صورت گرفته است.

مفهوم‌شناسی

در این مبحث، سه مفهوم ایدئولوژی، تروریسم زیست محیطی و تروریسم مذهبی تبیین می‌شوند.

در تعریف ایدئولوژی به‌عنوان مفهوم پایه‌ای نماد پژوهش باید اظهار داشت که این مفهوم به روایاتی برجسته در خصوص جهان و جایگاهی که در آن واقع شده است، اشاره دارد. به‌طور معمول، آنها عوامل دیگر از قبیل نارضایتی‌های شخصی و جمعی را به وضعیت انتقادات گسترده سیاسی می‌رسانند. آنها همچنین دشمنان را به‌مثابه شیطان معرفی نموده بر این اساس هرگونه خشونت علیه آنها را توجیه می‌کنند و در نهایت با وعده رستگاری ابدی، فرد یا اعضای گروه مورد نظر را به از خودگذشتگی در راستای تحقق اهداف، ترغیب می‌کنند (Hafez and Mullins, ۲۰۱۵: ۹۶۱).

فرهنگنامه بریتانیکا در توصیف مفهوم تروریسم زیست محیطی این‌گونه بیان می‌کند که مفاهیم اکوتروریسم^۱، اکولوژیکال تروریسم^۲ یا تروریسم زیست محیطی^۳، جملگی اصطلاحاتی هستند که در مقام توصیف دو هدف به‌کار می‌روند:

۱. Ecoterrorism
۲. Ecological Terrorism
۳. Environmental Terrorism

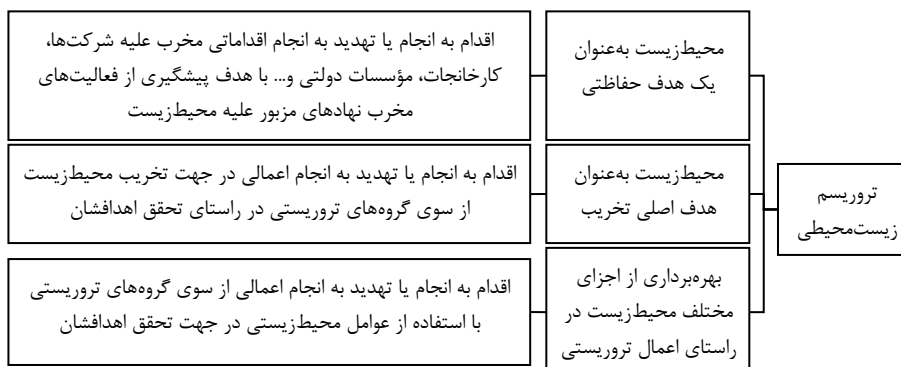
- حفاظت از محیط زیست؛

- تخریب محیط زیست و بهره برداری های غیرقانونی از اجزای آن (Encyclopedia Britannica, ۲۰۱۸: para ۱)

تروریسم زیست محیطی به ویژه در معنای استفاده از عوامل زیست محیطی در راستای انجام اعمال تروریستی مفهومی نیست که محدود به زمان اخیر باشد. از قرن های گذشته تاکنون کشورها به طور متعدد علیه دشمنان خود نیروی طبیعت را به کار می بردند. مفهوم تروریسم زیست محیطی به لحاظ اصطلاحی دارای معانی متعددی است و نویسندگان مختلف در آثار خود معمولاً بر یکی از معانی این مفهوم تأکید ورزیده اند. آرتور وستینگ^۱ در کتاب خود تحت عنوان رفاه زیست محیطی، تروریسم زیست محیطی را دربرگیرنده دو هدف می داند، تخریب و آلودگی محیط زیست به عنوان یک هدف و استفاده از محیط زیست به عنوان سلاحی برای تخریب (Westing, ۱۹۸۵: ۶۴۶). به عبارت دیگر، تروریسم زیست محیطی دربرگیرنده اقداماتی است که با استفاده از مواد خطرناک و سمی منجر به وارد آمدن آسیب به محیط زیست انسان، حیوانات و محیط طبیعی می شود؛ آسیبی که عمدتاً با هدف ایجاد اختلال شدید در نظم عمومی صورت می گیرد (پورهاشمی، ۱۳۹۴: ۴).

مفهوم تروریسم زیست محیطی بنا به تصور عمدتاً اشتباه یا به جهت کاربرد غالب در مفهوم اقدام به انجام یا تهدید به انجام اعمالی از سوی گروه ها و سازمان های محیط زیستی و مدافع حقوق حیوانات و جنگل ها علیه دولت ها، شرکت ها، کارخانجات یا هر شخص یا نهاد مخرب محیط زیست و نابودکننده حیات وحش و جنگل ها شناخته شده است. اما اگر بخواهم نگاه دقیق تر و جامع تر به پدیده تروریسم زیست محیطی داشته باشیم، اغلب با سه معنای رایج از این اصطلاح مواجه می شویم که در شکل ۱ نمایش داده شده است. آنچه در این تحقیق مورد تأکید است بیشتر معنای سوم این مفهوم و مطابق شکل ۱ است.

۱. Arthur H. Westing



شکل ۱. تفاوت میان اصطلاحات رایج در زمینه تروریسم زیست محیطی

روند تاریخی تروریسم در جدول ۱ مشاهده می شود

جدول ۱. امواج تروریسم در الگوی بین المللی (پورسعید، ۱۳۹۶: ۱۴۹)

شخصها امواج	ایدئولوژی	دوره زمانی	تکنیک قالب
موج آنارشستی	آنارشیسم	۱۸۸۰ - ۱۹۲۰	ترور شخصی/ آدم کشی
موج ضداستعماری	ناسیونالیسم قومی	۱۹۲۰ - ۱۹۶۰	حمله به اهداف نظامی/ بمب گذاری
موج ضدامپریالیستی	مارکسیسم-لنینیسم	۱۹۶۰ - ۱۹۹۷	هواپیمارایی/ گروگان گیری
موج جدید	رادیکالیسم و فرقه گرایی مذهبی	۱۹۹۷ - ۲۰۲۵	عملیات انتحاری/ کشتن از نزدیک

بررسی مبانی و ساختار تروریسم زیست محیطی

تروریسم زیست محیطی با انگیزش ها و محرکات آخرالزمانی، شکلی از تروریسم نو شناخته می شود که با تأکید بر باورهای تحول گرا و آخرالزمانی عمدتاً ریشه در دکترین های مذهبی دارد.

«کرنشا»^۱ در مقام تبیین بیشتر این شکل از تروریسم، خشونت را به عنوان هسته مرکزی آن معرفی نموده است. از منظر وی، خشونت، خود به عنوان راهبرد محسوب نشده، بلکه برای دستیابی به اهداف دیگر استفاده می شود (Crenshaw, ۲۰۰۷: ۱۰). درحقیقت، خشونتی که در

۱. Crenshaw

قلب تروریسم زیست‌محیطی نهفته است در راستای تحقق اهداف آخرالزمانی گروه‌های تروریستی است. «جسیکا استرن»^۱ معتقد است که خطر استفاده از تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی یا بیولوژیکی از سوی گروه‌های تروریستی بیش‌ازپیش در حال رشد است. این امر، نه تنها به جهت گسترش دسترسی به چنین تسلیحاتی بوده، بلکه تغییرات صورت‌گرفته در انگیزه‌های تروریست‌ها نیز این امر را دوچندان نموده است. در واقع، نسل جدید تروریست‌ها نسبت به تروریست‌های گذشته اغلب دارای انگیزه‌های نشئت‌گرفته از باورهای مذهبی، آخرالزمانی و انتقام‌گیری هستند (Stern, ۱۹۹۹: ۸). در ادامه به بیان علل استفاده از عوامل زیست‌محیطی در حملات تروریستی و چرایی تمایل گروه‌ها و فرقه‌های آخرالزمانی به استفاده از این عوامل پرداخته می‌شود.

بررسی دلایل استفاده از عوامل زیست‌محیطی در حملات تروریستی

دو عامل در ارزیابی واقعیت کنونی در رابطه با تروریسم زیست‌محیطی و تمایز آن از تروریسم سنتی مورد توجه است: نخست، اینکه گروه‌ها و فرقه‌های تروریستی جدید برخلاف تروریست‌های سنتی در پی تحقق کشتار و مرگ و میرهای گسترده هستند تا جایی که این امر هدفی عمده و اصلی در برنامه‌ریزی‌های آنان برای حملات است. بدین ترتیب، قاعده قدیمی مبنی بر عدم تمایل به برجای گذاشتن تلفات زیاد که حاکم بر اعمال تروریستی سنتی بود و تا پیش از دهه ۹۰ به‌عنوان یکی از موانع عدم تمایل گروه‌های تروریستی به استفاده از عوامل زیست‌محیطی شناخته می‌شد به‌چالش کشیده می‌شود. دوم اینکه، استفاده از عوامل بیماری‌زا و سمی در چارچوب تروریسم مدرن، بخشی از ابعاد جدید اقدامات تروریستی را شکل می‌دهد. از مجموعه مطالعات و گزارشات مرتبط با تروریسم زیست‌محیطی و آخرالزمانی، می‌توان عوامل ذیل را به‌عنوان عوامل و محرکات انگیزشی گروه‌های تروریستی و فرقه‌های آخرالزمانی جهت استفاده از عوامل زیست‌محیطی در حملات تروریستی تعیین و شناسایی نمود (جدول ۱) (Bostrom and Ćirković, ۲۰۰۸: ۴۰۷ - ۴۱۰):

جدول ۱. دلایل انگیزشی گروه‌های تروریستی و فرقه‌های آخرالزمانی جهت استفاده از عوامل

۱. Jessica Stern

زیست محیطی در حملات تروریستی

عوامل	توصیف عوامل
تلفات جمعی	روشن ترین دلیل برای تروریست‌ها جهت استفاده از تسلیحات هسته‌ای مبتنی بر تلفات جمعی است که در نتیجه استفاده از این عوامل حاصل می‌شود. در واقع، تسلیحات متعارف و حتی غیرمتعارف برای کشتن هزاران یا شاید حتی ده‌ها هزار نفر از مردم در صورتی که توسط تروریست‌ها استفاده شود، کافی است. اما، از آنجا که گروه‌های تروریستی درصدد ایجاد حداکثر کشتار ممکن در زمانی اندک (برای مثال حدود صدها هزار نفر یا تلفات میلیونی) هستند، بهترین راه استفاده از عواملی است که به‌طور معمول در زندگی روزانه هر فرد به‌کرات مورد استفاده قرار می‌گیرد از قبیل آب، مواد غذایی، محصولات کشاورزی و... .
اثر روانشناختی مفرط و فاحش	یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم جهت اثربخشی حملات تروریستی برجای ماندن آثار روانی آن است. درحقیقت، اگرچه بسیاری از بازیگران غیردولتی توانایی حمله با استفاده از تسلیحات متعارف را دارند، اما متمایل به استفاده از تسلیحات غیرمتعارفی از جمله تسلیحات بیولوژیکی و هرگونه تسلیحات مبتنی بر استفاده از عوامل زیست محیطی هستند که به‌لحاظ ساختاری و عملکردی پیچیده‌ترند. آنچه در این میان موجب تمایل گروه‌های تروریستی به استفاده از اینگونه تسلیحات می‌شود، این است که رعب و وحشت ناشی از این‌گونه حملات ترس و اضطراب میان گروه‌های هدف را به طرز غیرقابل‌باوری افزایش می‌دهد؛ به‌ویژه اینکه یکی از مؤلفه‌های این‌گونه از حملات پنهانی بودن و دیرکشف شدن علائم آنهاست، به‌طوری که در اغلب موارد عموم مردم جامعه هدف نمی‌توانند اقدامات ویژه‌ای در راستای پیشگیری از بیماری انجام دهند.

ادامه جدول ۱. دلایل انگیزشی گروه‌های تروریستی و فرقه‌های آخرالزمانی جهت استفاده از عوامل

زیست محیطی در حملات تروریستی

عوامل	توصیف عوامل
انگیزه‌های نوآوری و تشدید میزان تخریب و آسیب	در محیطی که گروه‌های تروریستی ممکن است بر سر جلب رسانه‌های خبری به سمت خود مجبور به رقابت با یکدیگر شوند، سران این گروه‌ها ممکن است بدین نتیجه برسند که برای جلب توجه بیشتر باید تخریب‌ها و آسیب‌هایی شدیدتر، موفقیت‌آمیزتر و همراه با نوآوری بیشتر را نسبت به حملات دیگر گروه‌ها بر جامعه هدف وارد سازند.
ایدئولوژی	یکی از مؤلفه‌های مهم برای گروه‌های تروریستی در استفاده از عوامل زیست محیطی جهت حملات تروریستی، ایدئولوژی آنان در ارتباط با باورهای آخرالزمانی است. این امر مبنایی برای شناسایی دشمنان آنان محسوب شده و یکی از مهم‌ترین معیارهای آنان را در راستای اهداف و تاکتیک‌های مشروع و نامشروع آنان شکل می‌دهد.
فتیشیسم (شیء‌پرستی)	برخی از گروه‌های تروریستی ممکن است جذب خاصی را برای برخی عوامل، اشیاء و افراد قائل باشند. از جمله این موارد عوامل زیست محیطی است. اوم شینریکیو یکی از جمله گروه‌های تروریستی است که در این زمینه می‌توان از آن نام برد. شوکو آساهارا، رهبر این گروه جذب ویژه‌ای برای برخی از انواع سلاح‌های نامتعارف قائل بود، از جمله تسلیحات بیولوژیکی، شیمیایی و حتی هسته‌ای که در این خصوص نزدیک به فتیشیسم نیز بود.
انگیزه‌های انتقامی	اشخاصی که دارای انگیزه‌های انتقامی هستند اغلب از جوامعی آمده‌اند که یا شدیداً تحت حملات وحشیانه قرار گرفته‌اند و یا جزئی از جوامع آسیب‌دیده (قربانیان نسل‌زدایی) بوده‌اند که بدین ترتیب ممکن است به‌شدت در پی انتقام‌گیری خشونت‌آمیز از مسببان آسیب‌های مزبور برآیند.
مقرون به صرفه بودن و قابلیت دسترسی فناوری‌های زیستی	این موارد همراه با فقدان هرگونه تنگناهای شدید تولید سلاح نیز از جمله عوامل دیگری است که موجب تمایل بیشتر گروه‌های تروریستی به استفاده از آنها در مقایسه با دیگر تسلیحات می‌شود. مجموعه این عوامل منجر به گرایش بیشتر به سوی استفاده از عوامل زیست محیطی از قبیل عوامل بیولوژیکی در حملات تروریستی می‌شود. همچنین، نباید از نظر دور داشت که این عوامل به خاطر سهولت در پنهان‌نمودن و انتشار در میان یک جمعیت نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از تسلیحات احتمالی انتخابی از سوی تروریست‌ها باشد.

۱. Shoko Asahara

فقدان کنترل دولت نیز ممکن است مکان‌های ایدئالی تحت عنوان نقاط سیاه ^۱ را برای تولید تسلیحات شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی و هسته‌ای ^۲ فراهم نماید. برای نمونه، اوم شینریکیو توانست یک آزمایشگاه پنهان را در پایگاه کوه فوجی ^۳ راه‌اندازی نماید.	فقدان کنترل دولت
---	------------------

در جدول ۲ نمونه‌هایی از گروه‌های تروریستی را که به استفاده از عوامل زیست‌محیطی در جریان حملات خود اقدام نموده‌اند، مشاهده می‌کنیم (Carus, ۲۰۰۱: ۷-۸).

۱. black spots
۲. CBRN
۳. Mount Fuji

جدول ۲. نمونه‌هایی از گروه‌های تروریستی که به عوامل زیست محیطی توسل جسته‌اند

عوامل	توصیف عوامل
راجنیش ^۱	براساس گزارش اف. بی. آی تنها یک نمونه وجود دارد که در آن یک گروه تروریستی در امریکا واقعاً از عوامل شیمیایی یا بیولوژیکی استفاده نموده است. این رویداد در سپتامبر ۱۹۸۴ رخ داد. مرتکبان، اعضای راجنیش بودند، یک فرقه مذهبی که یک گروه بزرگ را در واسکو، یک منطقه روستایی در شرق پورتلند، اورگون تشکیل داده است. راجنیش از سالمونلا برای آلوده نمودن سالاد بارهای رستوران‌ها و به منظور ایجاد مسمومیت غذایی استفاده نمودند. تخمین زده شده است که ۷۵۱ نفر در جریان این حمله مریض شدند، از جمله حدود ۴۵ نفر که در بیمارستان بستری شدند. البته مرگ و میر به همراه نداشته است. این رویداد، تنها حادثه بیوتروریسم بوده که در آن بیماری انسانی مورد تأیید قرار گرفته است.
اوم شینریکیو	علاوه بر استفاده از گاز سارین در سامانه راه آهن توکیو، اعضای شینریکیو عوامل بیولوژیکی را تولید نمود و سعی نمود آنها را استفاده کند. براساس گزارش مطبوعاتی، پلیس ژاپن کشف نمود که اعضای شینریکیو دارای دانشمندان و تکنسین‌های دارای مهارت، از جمله آموزش دیده در زمینه میکروبیولوژی هستند. شیرینکو توجه خاصی را به استفاده از چندین عامل بیولوژیکی نشان داد، از جمله سموم دسته B مانند سم باسیلوس آنتراسیس و سم بوتولینوم و دسته C مانند سم کوکسیلا بورنتی، تب کیو، و حتی ابولا. اوم تلاش نمود عوامل بیولوژیکی از جمله سم آنتراسیس و بوتولینوم از دسته B را منتشر نماید. این گروه مدعی است که پایگاه نیروی دریایی آمریکا در یوکوسوکا را در یکی از تلاش‌هایشان جهت حمله مورد هدف قرار داده است.
دارک هاروست ^۲	این گروه کوچک ناشناس به تداوم آلودگی جزیره گرینارد با سم سیاه زخم اعتراض داشتند، که ارتش بریتانیا یک بمب سیاه زخم را در طول جنگ جهانی دوم در آنجا آزمایش کرده بود. این گروه ظاهراً خاک آلوده به سیاه‌زخم را برداشته و آن را در زمین‌های پورتون داون تخلیه نموده است، یعنی محل تأسیسات پژوهش تسلیحات بیولوژیکی و شیمیایی بریتانیا. البته انتشار سیاه زخم به شکلی بود که بعید به نظر می‌رسید که موجب صدمه شود.
جنبش مقاومت لهستان ^۳	گزارشات متعددی نشان می‌دهد که سازمان مقاومت لهستان از عوامل بیولوژیکی علیه نیروهای آلمان در جریان بخش اول جنگ جهانی دوم استفاده نموده است. حداقل یک مقام لهستانی مدعی است که ۲۰۰ آلمانی در این رویداد کشته شدند، اما این ادعا هرگز تأیید نشده است.

ساختارشناسی حملات تروریستی زیست محیطی

در این مبحث، برای بررسی دقیق‌تر ساختار و اجزای حملات تروریستی زیست محیطی به تشریح مدل رادوسالوجویچ و بلوجویچ^۴ در ارتباط با ارزیابی خطر تروریسم زیست محیطی

۱. Rajneeshees
۲. Dark Harvest
۳. Polish Resistance
۴. Belojevic

می‌پردازیم (۴۴۷ - ۴۴۴: ۲۰۰۹: Radosavljevic). چهار عنصر، تشکیل‌دهنده یک حمله بیولوژیکی محسوب می‌شود: مرتکبان، عوامل، ابزار انتشار و اهداف. هرکدام از عناصر مزبور دارای مؤلفه‌های کیفی و کمی هستند که در جدول ۳ به‌طور کامل نشان داده شده است.

جدول ۳. عناصر تشکیل‌دهنده حمله بیولوژیکی براساس مدل رادوساویچ و بلوجویچ

مرتکبان	
مؤلفه‌های کیفی	براساس این مدل سه نوع مرتکب وجود دارد: مرتکبان با سازمانده دولتی (نهادهای سازمان‌ها)، گروه‌های تروریستی و افراد تروریست. امروزه، خطرات واقعی تقریباً به‌طور انحصاری مرتبط با تروریست‌ها و گروه‌های ناراضی است. دیگر مؤلفه‌های کیفی عبارتند از پیچیدگی و انگیزه. مرتکبان دارای پیچیدگی بسیار، از عوامل بسیار خطرناک (دسته A یا عوامل درحال شکل‌گیری) استفاده می‌کنند، حمله آنها بدون قصد خودکشی است، خود را پنهان و ناشناس نگه می‌دارند و سعی می‌کنند به اهداف سخت حمله کنند، برای مثال حمله صورت‌گرفته به آمریکا در سال ۲۰۰۱ همراه با عامل سیاه‌زخم نمونه‌ای از چنین حملاتی است. مرتکبان دارای انگیزه بسیار (عمدتاً تروریست‌های فقیر یا متعصب همراه با قصد خودکشی) احتمالاً از عوامل قابل‌دسترس‌تر دسته B استفاده می‌کنند که به آنها اجازه می‌دهد شناسایی شوند و به اهداف عمومی حمله کنند (اهداف نرم). از طرف دیگر، در گذشته ماهیت تروریسم طرح بیانیه سیاسی از طریق اقدامات خشونت‌بار بود، درحالی‌که در تروریسم پست‌مدرن یا سوپرتروریسم، هدف، به‌حداکثر رساندن شمار تلفات است. درحقیقت، محرمانگی موجود در این شیوه از تروریسم، ظرفیت لازم برای پنهان نگه‌داشتن اقدامات صورت‌گرفته پیش از انجام حمله و نیز ناشناس ماندن مرتکبان پس از وقوع حمله را فراهم می‌کند.
مؤلفه‌های کمی	این مؤلفه‌ها شامل شمار مرتکبان و توزیع آنهاست. این مؤلفه‌ها، قابلیت دسترسی به منابع عوامل بیماری‌زا و اهداف آنها برای بیوتروریست‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
عوامل	
مؤلفه‌های کیفی	دو نوع از عوامل وجود دارد: عوامل بیولوژیکی و اطلاعات به‌عنوان یک عامل. عوامل بیولوژیکی می‌توانند به‌عنوان عاملی از یک سطح هدف مستقیم/ بیولوژیکی به سطح یک هدف غیرمستقیم/ سیاسی تبدیل شوند. در این رابطه، مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری سه دسته از عوامل بیولوژیکی را طبقه‌بندی نموده است (A, B, C).
مؤلفه‌های کمی	پارامترهای کمی عوامل شامل میزان و توزیع عوامل موجود است. به‌لحاظ نظری، ارگانسیم‌های مرگ‌آور می‌توانند در محیط آزمایشگاه درست شوند. منابع عوامل بیولوژیکی همه جا وجود دارد. علاوه بر منابع طبیعی، بیش از ۱۵۰۰ کتابخانه و مؤسسات فرهنگ بیولوژیکی در سراسر جهان همراه با فرهنگ‌های نمونه وجود دارد. اگرچه رشد، تصفیه، تثبیت، و انتقال آنها مستلزم ظرفیت‌های فنی ویژه است اما این ظرفیت‌ها به‌لحاظ تجاری در دسترس هستند.
ابزار پخش و انتشار	
مؤلفه‌های کیفی	شیوه‌های انتشار می‌تواند از طریق هوا، غذا، یا آب آشامیدنی باشد.
مؤلفه‌های کمی	تجهیزات فنی برای نگهداری و انتقال این عوامل مورد نیاز است. شیوه انتشار دارای سه جزء است: ۱. لوازمی که ویروانس (شدت و قدرت تهاجمی یک عامل عفونی بیماری‌زا) و بار مفید (گنجایشی را که یک باربر، وسیله نقلیه یا فضاپیما، برای حمل کردن یک بار ارزشمند دارد) در جریان پخش یا انتشار حمل، محافظت و حفظ می‌کنند؛ ۲. یک ابزار انتشار یا پخش که می‌تواند یک موشک، یک وسیله نقلیه (هوایپما، قایق، اتومبیل، یا کامیون)، توپ توپخانه، سربازان فدایی و ایمیل‌ها (پست الکترونیکی) روزمره باشد؛

۳. یک ابزار پخش کننده که انتشار بار مفید (عامل بیماری‌زای مزبور) در پیرامون محل هدف مورد نظر را میان جمعیت‌های حساس تضمین نماید.
--

ادامه جدول ۳. عناصر تشکیل‌دهنده حمله بیولوژیکی بر اساس مدل رادوسالوجویج و بلوجویج

اهداف	
مؤلفه‌های کیفی	دو نوع هدف وجود دارد: هدف مستقیم (بیولوژیکی) و هدف غیرمستقیم (سیاسی/اقتصادی). اهداف بیولوژیکی یا مستقیم می‌تواند سخت یا نرم باشد. حملات صورت گرفته با عامل سیاه‌زخم به آمریکا در سال ۲۰۰۱ شامل هر دو نوع هدف بود. ساختمان اداری سنا (ساختمان هارت) در واشنگتن دی.سی جزء اهداف سخت بود، و حمله به ادارات خدمات پستی آمریکا جزء اهداف نرم بود. هزینه برآورد شده ضد عفونی کردن بخشی از ساختمان هارت ۲۳ میلیون دلار بود (هدف اقتصادی سخت). اثر اقتصادی یک حمله بیولوژیکی به‌طور بالقوه در معرض عامل سیاه‌زخم در حدود ۲۶/۲ میلیارد دلار (۱۰۰۰۰۰ نفر در معرض این حمله قرار گرفتند) (هدف اقتصادی نرم) است. هزینه و منابع مورد نیاز برای ضد عفونی کردن محیط باید به این هزینه اضافه شود.
مؤلفه‌های کمی	منظور از مؤلفه‌های کمی در اینجا تعداد و توزیع مردم در یک هدف و نیز مکان هدف است؛ چراکه اهداف خیلی شلوغ در معرض بالاترین میزان خطر هستند و بدین جهت باید به مردم توصیه شود که از اجتماع اجتناب نمایند. اهداف بالقوه نیز باید به نحوی ایمن و خارج از منطقه شهری و همراه با دسترسی آسان به جاده‌ها سازماندهی شده و به خوبی محافظت شوند.

تحلیل شخصیتی مرتکبان تروریسم زیست محیطی با نگاه بر حمله به متروی توکیو

در این مبحث، با توجه به اینکه فرقه‌های آخرالزمانی را به عنوان یکی از عمده گروه‌های علاقمند به تروریسم زیست محیطی معرفی نمودیم، به همین جهت ابتدا به بررسی چرایی گرایش فرقه‌های آخرالزمانی به تروریسم زیست محیطی می‌پردازیم و سپس جهت تبیین مدل شخصیتی اعضای فرقه‌های مرتکب تروریسم زیست محیطی به تجزیه و تحلیل فرقه «اوم شینریکیو» به عنوان الگوی پژوهش می‌پردازیم.

مبنای گرایش فرقه‌های آخرالزمانی به تروریسم زیست محیطی

بر اساس پایگاه داده‌های «مونتری»، انگیزه‌های گروه‌های تروریستی که در جریان اقدامات خود از عوامل شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی یا هسته‌ای استفاده نمودند، به نظر می‌رسد در طول زمان دچار تغییر شده است. طیف تغییرات صورت گرفته از هدف اعتراض به سیاست‌های دولتی در سال ۱۹۷۵ و همچنین اهداف ملی‌گرایی یا جدایی طلبی و انتقام‌گیری، در سال‌های ۱۹۸۹ به بعد به سمت اهداف رسالت‌های آخرالزمانی بوده است. بررسی پنج مورد از پرونده‌های تأیید شده در این پایگاه داده در مقام بیان شماری از خصوصیات است که ممکن است گروه‌ها و افراد تروریستی را به انجام حملات تروریستی زیست محیطی ترغیب نماید.

این خصوصیات عبارتند از: اهداف پراکنده، حس بزرگنمایی و پارانوئید و جهان‌بینی توطئه‌آمیز یا آخرالزمانی که ممکن است منجر به تجاوز شود. این تروریست‌ها همچنین فاقد یک هویت مؤسس سیاسی داخلی هستند. بنابراین، نمی‌توان انتظار وجود مقامی را داشت که آنها را از خشونت تبعیض‌آمیزشان باز دارد. تفکرات فرقه‌های مذهبی مانند فرقه «اوم شینریکیو» و راجیش از جهان خارج قطع شده و اغلب تحت هدایت یک رهبر کاریزماتیک و قدرتمند است که آنها را کم‌تر مشمول هنجارهای اجتماعی می‌گرداند. همچنین، حوادث تروریسم زیست‌محیطی موجود در پایگاه داده‌های مونتری نیز به لحاظ نوع گروه‌ها و انگیزه‌ها بسیار متفاوت است. روند موجود در سال‌های اخیر این‌گونه بوده که این حوادث بیشتر از سوی تروریست‌های چپ‌گرا و گروه‌ها و افراد ملی‌گرا - جدایی‌طلب یا گروه‌های ویژه جهت انتقام‌گیری رخ داده است. از طرف دیگر، حوادثی که بازیگران یا فرقه‌های خشونت طلب معتقد به رسالت آخرالزمانی^۱ در آنها دخیل بوده‌اند نیز افزایش قابل توجه داشته است. به‌طور کلی، امروزه چه در رهنامه (دکترین) و چه در عمل اجتماعی وجود دارند که با پیش‌بینی ممکن است تهدیدی جدی برای امنیت عمومی باشند که باورهای آخرالزمانی نیز از جمله این باورها است. براساس مطالعات مرکز مطالعات راهبردی و مطالعات بین‌الملل، عمده باورها و تفکرات اینگونه از اجتماعات به شرح ذیل است (۳-۲: CSIS، ۱۹۹۹) (جدول ۴):

جدول ۴. تفکرات و باورهای آخرالزمانی

توصیف باورها و تفکرات	باورها و تفکرات
جنبش‌ها و فرقه‌های مختلف اغلب به آموزه‌هایی مشابه آموزه‌های مذاهب اصلی و جریان ساز معتقدند، اما همگرایی برخی از این آموزه‌های بیان‌شده از طریق تشریفات و آداب مذهبی به شکل‌دهی یک دید جهانی الهی و درعین‌حال خشونت‌آمیز که عمدتاً براساس تعدد پیش‌فرض‌های فکری و اهداف و انگیزه‌های جنبش‌های مزبور متفاوت هستند، کمک می‌کند.	باورهای آخرالزمانی
باور به اینکه جهان به دو اردوگاه خیر و شر تقسیم شده است که اهمیت شگرفی را به مناقشات کوچک اجتماعی و سیاسی به‌عنوان شواهدی مبنی بر اینکه این حوادث نشانه‌هایی از مبارزات اولیه میان اردوگاه خیر و شر و مقدمه‌ای برای مبارزات آخرالزمانی هستند، می‌بخشد که خود می‌تواند مقدمات واکنشی خشونت‌آمیز را تسریع و فراهم نماید.	دوگانگی ^۲
باور دیگری میان برخی جنبش‌ها وجود دارد مبنی بر اینکه آنها پیشگامان نبوی متعلق به یک گروه	برگزیدگان

۱. Apocalyptic prophecy

۲. Dualism

آزاردیده (مورد آزار قرار گرفته) ^۱	منتخب برگزیده هستند و درعین حال تصور می کنند که به موجب نیروهای شرور و ظالم مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. چنین تصویری آنان را به سوی ساخت یک مجموعه مقدمات منسجم برای دفاع از وضعیت مقدسشان وادار می سازد.
--	--

ادامه جدول ۴. تفکرات و باورهای آخرالزمانی

باورها و تفکرات	توصیف باورها و تفکرات
خطر قریب الوقوع ^۲	باتوجه به اینکه این جنبش ها معتقدند که آخرالزمان نزد چشمانشان به نمایش درخواهد آمد، بنابراین معتقدند روزهای پایانی جهان، آخرین فرصت برای آنان است. بدین ترتیب فوریت و فشار روان شناختی آنان را وادار به اتخاذ اقدامی فوری برای نجاتشان می کند.
جبرگرایی ^۳	برخی گروه ها بر این باورند که برنده نهایی مبارزه پایانی در آخرالزمان خواهند بود. چنین گروه هایی در صورتی که معتقد باشند سناریویی فاجعه آمیز در حال شکل گیری است، ممکن است تصور نمایند انتخابی برایشان باقی نمانده و بنابراین تلاش می کنند در جهت فراهم آوردن مقدمات دوره آخرالزمان اقدامات خشونت آمیزی را در دستور عمل خود قرار دهند.
نجات از طریق جنگ و مناقشه / ریشه کن کردن دشمن	باتوجه به اینکه نجات و رهایی در آخرالزمان به طور کلی متکی بر مشارکت مستقیم در مبارزه آخرالزمانی است، این دسته از گروه ها همواره آمادگی هرگونه رویارویی را دارند. این مسئله هرگونه اقدام درخصوص از بین بردن و نابودی شیطان و نیز ریشه کن نمودن دشمن مورد هدف آنان را توجیه می نماید.

«برکویتز»^۴ (۱۹۷۲) شش نوع اختلال روان شناختی را توصیف می کند که وجود آنها در افراد ممکن است آنان را به ارتکاب تروریسم زیست محیطی ترغیب نماید. این اختلالات عبارتند از: پارانوئید، اسکیزوفرنی پارانوئید، اختلالات روانی، انواع اسکیزوفرنی، انواع اختلال شخصیت منفعل - تهاجمی، و شخصیت های جامعه ستیز. اگرچه، او معتقد است که جامعه ستیزان احتمال بیشتری دارد که تمایل به استفاده از تسلیحات کشتار جمعی از قبیل تسلیحات مبتنی بر استفاده از عوامل زیست محیطی داشته باشند. مطالعات صورت گرفته درخصوص «شوکو آسهارا» به وضوح نشان داده که وی مبتلا به پارانوئید بوده است (Hudson, ۲۰۱۸: ۳). این اختلال به صورت جنون بزرگ منشی بروز می یابد؛ بدین صورت که فردی که شخصیت ثانوی را برای خود متصور می گردد، گاهی اوقات رهبران جهان را برای خود الگو

۱. The persecuted chosen
۲. Imminence
۳. Determinism
۴. Berkowitz

قرار می‌دهد و گاهی اوقات تصور می‌کند، یکی از انبیاء بوده و رسالتی برای دگرگونی نظم جهانی دارد و عقده حقارت خود را بدین طریق جبران می‌نماید. برخی از رهبران تروریسم دچار اختلال شخصیت پارانوئید می‌باشند، همان‌طور که بن‌لادن معتقد است که برای مجازات «شیطان بزرگ» از خداوند دستور می‌گیرد (Hudson, ۱۹۹۹: ۱۰). این گروه از تروریست‌های پارانوئیدی دچار هذیان «بزرگ‌منشی» هستند؛ احساس مهم‌بودن و قدرت‌داشتن از حالات پایدار این افراد است. واقعیت بر اشخاص مشتبه می‌شود که احساس تسلط و شهرت جهانی می‌کنند، همه جهانیان منتظر پیغام یا دستور آنها هستند، این طرز تفکر را «اختلال شخصیت خودشیفتگی» یا «مگالومانیا»^۱ نیز می‌خوانند (Bowyer, ۱۹۸۵: ۸۵).

بنابراین، به‌طور کلی در مقام بیان چرایی گرایش فرقه‌های آخرالزمانی به تروریسم زیست‌محیطی باید این‌گونه اظهار داشت که ترکیبی از اختلالات روان‌شناختی به‌ویژه اختلال پارانوئید و اختلال شخصیت خودشیفتگی و باورهایی در ارتباط با داشتن مأموریت مبنی بر پایان‌دادن به نسل بشریت، بستری را برای گرایش آنان به سوی استفاده از عوامل زیست‌محیطی عفونت‌زا و سمی در اعمال تروریستی با هدف از بین‌بردن احساس امنیت در تمامی ابعاد جسمی و روانی عموم جامعه فراهم می‌کند که متعاقب آن ایجاد و گسترش اپیدمیک بیماری‌هایی با ویژگی‌های کشندگی و زمان‌بر بودن به‌لحاظ کشف علائم (باتوجه به خصوصیات منحصربه‌فرد عوامل زیست‌محیطی) و نیز از میان‌رفتن زیرساخت‌های اساسی دولت و حکومت در زمینه حفظ نظم و امنیت جامعه و عموم مردم، بحران به‌وجودآمده را دوچندان می‌سازد.

تحلیل نمونه شخصیتی فرقه «اوم شینریکیو» در چارچوب باورهای آخرالزمانی

فرقه «اوم شینریکیو» رسماً در سال ۱۹۸۷ بنا نهاده شد. مقر اصلی این فرقه در فوجینومیا^۲ در استان شیزوکا^۳ بوده و دارای یک شعبه توکیو در بخش میناتو^۴ و نیز تأسیساتی در دهکده

-
۱. Megalomania
 ۲. Fujinomiya
 ۳. Shizuoka
 ۴. Minato

کامیکویشیکی^۱ استان یاماناشی^۲ است. در سال ۱۹۹۲ شعباتی از آن در نیویورک، مسکو، بن و سری لانکا نیز ایجاد شد.

یاماوری تتسوئو^۳ پروفیسور مرکز تحقیقات بین‌المللی مطالعات بودایی در کیوتو^۴ اعضای اوم شینریکیو را به سه سطح تقسیم نموده است. در بالاترین سطح، رهبران و نزدیک‌ترین مشاوران و دوستان آسهارا (رهبر فرقه مزبور) هستند؛ در سطح میانه، مقامات عالی‌رتبه‌ای هستند که در زمینه‌های علمی مستعد بوده و در استفاده از فناوری و تجهیزات اطلاعاتی مهارت بسیار بالایی دارند؛ در پایین‌ترین سطح نیز معتقدان واقعی هستند که سرشان را تراشیده و زندگی عادی را به‌دنبال یافتن راه نجات و رهایی ترک نموده‌اند (Metraux, ۱۹۹۵) (۱۱۴۸ - ۱۱۴۷). اگرچه، «اوم شینریکیو» به‌طور کلی از مجموعه‌ای از ویژگی‌های مذاهب جدید تحت عنوان شین شوکیو^۵ که در ژاپن از اواخر قرن ۱۹ ظهور نمودند، استفاده نموده، اما قلمرو اقدامات جنایی و نیز تاکتیک‌های خشونت‌آمیز و ساختارهای آن به منحصر‌به‌فرد شدن او در میان دیگر فرقه‌ها و گروه‌ها منجر شد.

تعلیم‌دیدگان مذاهب ژاپنی بیانگر دو موج از مذاهب جدید در ژاپن هستند که یکی از آنها تحت عنوان «شین شوکیو» به‌سرعت در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رشد نمودند و بسیاری از آنها دارای ریشه‌های مربوط به پیش از جنگ بودند و مورد دیگر مذاهب نوظهور تحت عنوان «شین شین شوکیو»^۶ بودند که از دهه ۱۹۷۰ ظهور نمودند. اعضای موج نخست یک طبقه کارگری شهری از قبیل مالکان مغازه‌ها و کسب‌وکارهای کوچک و محدود، کار غیرسازمانده‌ی شده، کشاورزان و ماهگیران ضعیف و بدشانس، مردمان میانسال فقیر و زنان را نشان می‌دهد (Norbeck, ۱۹۷۰: ۳۷). درحالی‌که با توجه به رشد چشمگیر ژاپن در دهه ۱۹۷۰،

۱. Kamikuishiki

۲. Yamanashi

۳. Yamaori Tetsuo

۴. International Research Center for Buddhist Studies in Kyoto

۵. shinshukyo

۶. shinshinshukyo

عضویت در مذاهب جدیدتر با عضویت شمار زیادی از اعضای تحصیل کرده و ثروتمندتر آغاز شد. تفاوت مزبور نشانگر تغییراتی اساسی درخصوص تبدیل تقاضاهای افراد مسن‌تر در زمینه مذهب که از فقر نیز رنج می‌بردند به تمایلاتی معنوی‌تر و عرفانی‌تر مردمانی است که دارای ثبات مالی بوده و درصدد پاسخ‌های جدیدی به پرسش‌هایی درخصوص معنای زندگی و حیات هستند یا کسانی می‌باشند که نیازمند خودآگاه در یک جامعه کنترل‌گرا هستند. فرقه شینریکیو متناسب با موج دوم یعنی «شین‌شین شوکیو» است.

این سازمان‌های مذهبی دارای خصوصیات اصلی جنبش‌های تجدیدبخش حیات هستند که در آنها اصلاحات با هدف به‌روزنمودن و شکل‌دهی مجدد باورها، آیین‌ها و نمادهای سنتی به روشی هستند که آنها را مرتبط با نیازهای کنونی اجتماعی، فرهنگی و معنوی می‌سازد (Clarke & Somers, ۱۹۹۴: ۳, ۸). در ارتباط با حمله به متروی توکیو پس از حمله، دو فرضیه اصلی در ژاپن مطرح شد: سناریوی ایدئولوژیکی و سناریوی شستشوی مغزی.

در سناریوی نخست، فرقه اوم شینریکیو در تلاش برای بی‌ثبات نمودن دولت و نابودکردن هرچه بیشتر مقامات دولتی بود. از این منظر، آزادکردن گاز «سارین» در مترو یک عمل تروریستی صرفاً سیاسی محسوب می‌شد. اما سناریوی دوم، مبنی بر شستشوی مغزی که مبتنی بر تحلیلی روان‌شناسانه است و با مطالعه روی چندین شاگرد سابق این فرقه که در بیمارستان درمان شده‌اند، صورت گرفته است. آنها به این نتیجه رسیدند که یک آسیب‌شناسی از جنون جمعی مانع از کنترل افراد بر اعمالشان شده است. درحقیقت، فرضیه نخست بر فعالیت‌های خشونت‌آمیز یک سازمان مذهبی سیاسی متمرکز است که مرتکب خشونت علیه دولت شده است. درحالی‌که، فرضیه دوم یک فرضیه روان‌شناختی و مبتنی بر این قضیه است که افراد را در جهت بیان اندوهشان از طریق ابراز خشونت بیرونی و خارجی منحرف می‌سازد. در کنار دو نمونه مزبور، نمونه سوم که اعمال «اوم شینریکیو» می‌تواند با آن توضیح داده شود، نمونه خشونت مذهبی آخرالزمانی است. در این فرضیه، خشونت به‌عنوان یک کاتالیزور برای تعیین کسانی که می‌توانند در روز قیامت زنده بمانند، عمل می‌کند. درواقع، اوم شینریکیو ابتدا قرار بود تمامی بشریت را نجات دهد، به‌همین جهت، صرفاً به‌دنبال آخرالزمان نبود و درحقیقت خشونت را برای ایجاد یک دنیای دیگر به‌کار می‌برد. بنابراین، اوم شینریکیو خود را برای بقای

پس از آخرالزمان آماده نموده بود. چرخه درونی اوم شینریکیو صرفاً در جستجوی دفاع از فرقه در آخرالزمان نبود؛ آنها یک زرادخانه کشتار جمعی را تهیه کرده بودند که می توانست برای تسریع یک فاجعه عمومی استفاده شود که در نهایت به آخرالزمان منجر شود.

باتوجه به مطالب مزبور می توان این گونه به تحلیل مدل شخصیتی مرتکبان تروریسم زیست محیطی در چارچوب فرقه های آخرالزمانی و باتأکید بر فرقه اوم شینریکیو پرداخت. اما، ابتدا لازم است ویژگی های منحصر به فرد فرقه های تروریستی را بیان نماییم.

یک رابطه فرقه ای عبارت است از رابطه ای که به موجب آن یک شخص عامداً دیگران را ترغیب می کند که در کلیه تصمیماتشان در زندگی متکی به او شوند و در عین حال این باور را بدانها تلقین می کند که دارای برخی استعدادها، موهبت ها یا دانش و آگاهی های ویژه و خاص است (Singer & Lalich, 1995: 7). این تعریف بیانگر تمایزاتی مهم است که می تواند در راستای تحلیل چرایی تمایل فرقه ها به اعمال خشونت آمیز ثمربخش باشد. به طور کلی، منشأ فرقه، نقش رهبران آن و منحصر به فرد بودن آنها چارچوبی را برای درک تمایز آنها از دیگر گروه های تروریستی داخلی مقرر می کند.

این تمایزات عبارتند از:

۱. رهبران فرقه ها انسان هایی خودگمارده هستند. آنها افرادی متقاعدگرند که مدعی هستند متکفل یک مأموریت خاص در زندگی هستند یا از دانش و آگاهی ویژه ای برخوردار می باشند.
۲. آنها معتقدند که ایده ها و سنت های فرقه ها نوآور و منحصر به فرد می باشند.
۳. در نهایت، یکی از دیگر تمایزات در این فرقه ها از دیگر گروه های تروریستی، تمرکز رهبران این فرقه ها بر عشق، از خودگذشتگی و وفاداری اعضایشان به آنهاست (Singer & Lalich, 1995: 8-9).

به طور کلی، فرقه های آخرالزمانی مأموریت خویش را در دو مورد کلی می بینند. مورد نخست، اینکه آنها می خواهند پایان جهان را تسریع ببخشند و مورد دوم، اقدامی اتخاذ نمایند که هزار سال باقی بمانند. فرقه اوم شینریکیو یکی از جمله همین فرقه ها است. واحد علوم

رفتاری اف. بی. آی^۱ با انجام تحلیلی درخصوص فرقه‌های هزاره‌گرا به این نتیجه دست یافته است که فرقه‌ای که پیش‌بینی می‌کند خدا مجازات خواهد کرد یا شیطان مجازات خواهد شد در مقایسه با فرقه‌ای که پیش‌بینی می‌کند که مردمان برگزیده خدا مجازات خواهند شد، دارای موضع منفعل و تهدید کم‌تری است. چنین فرقه‌هایی بعدها با ترکیب سه جزء اجتماعی - روان‌شناختی، چیزی تحت عنوان تثلیث مرگبار را ایجاد می‌کنند که زمینه‌ها و بسترهای لازم برای اتخاذ اقدامات خشونت‌آمیز علیه اعضای داخلی یا خارجی را فراهم می‌نماید. نخستین جزء این تثلیث بیانگر این نکته است که فرقه‌هایی که در آنها اعضا درخصوص تمامی تصمیمگیری‌های خود به شدت متکی بر رهبر خود هستند تقریباً همیشه به لحاظ فیزیکی و روان‌شناختی، اعضایشان را از بیگانگان جدا می‌سازند. دو جزء دیگر بدین ترتیب تعامل دارند که انزوا باعث کاهش تفکر انتقادی درخصوص بخشی از اعضای گروه می‌شود که به باورهای مطرح شده از سوی رهبر گروه رسیده‌اند. در نتیجه، اعضای گروه تمام تصمیمگیری‌های گروه را به رهبرشان واگذار می‌کنند و تمامی اعتراضات و شکایات گروه درخصوص برخی از نهادها یا نیروهای بیرونی و بیگانه را مورد سرزنش و انتقاد قرار می‌دهند؛ فرایندی که تحت عنوان فرافکنی شناخته می‌شود. در نهایت، ترکیب انزوا و فرافکنی موجب تولید و ایجاد خشم آسیب‌شناختی می‌شود، یعنی جزء نهایی این تثلیث.

شکست در کمپین انتخابات سال ۱۹۹۰ نقطه عطفی برای اوم شینریکیو بود. در همین رابطه، آساهارا در گفتگو با عالی‌ترین پیروان خود آنان را متقاعد ساخت که نجات ژاپن از راه قانونی و با ابزار قانونی ممکن نیست. بر همین اساس، آساهارا بر دکترین تانترا و جرایانا^۲ در بوداییسم تبت جهت توجیه تخریب و همچنین کشتار به‌عنوان ابزار و شیوه نجات تکیه نمود. از منظر آساهارا، کشتن مردم، یک عمل صالح بود که آنها را از رفتن به جهنم باز می‌داشت. بدین ترتیب، او از پیروانش می‌خواست که در این راه به او بپیوندند. به علاوه، آساهارا به‌طور فزاینده‌ای در سخنان خود به مبارزه نهایی و همچنین جنگ جهانی سوم به‌طور ضمنی اشاره

۱. Federal Bureau of Investigation (FBI)

۲. Tantra Vajrayana

داشت (Katz, ۲۰۱۱: ۳). ایده اوم شینریکیو درباره آرماگدون (پایان جهان یا نبرد حق علیه باطل در پایان جهان) یک دید فرجام‌شناختی است که براساس آن ما جزء آخرین بقایای دوره مابو^۱ هستیم که در آن نیروهای شیطانی خودشان را از طریق جنگ نابود می‌کنند و در آن صرفاً چند نفر خوش‌شانس (آنهایی که از طریق «اوم شینریکیو» به روشنفکری دست می‌یابند) زنده خواهند ماند. همچنین، یکی از اعضای این فرقه مدعی شده که هدف، بازگشت عصر بعدی «شوهو»^۲ یعنی عصر طلایی (زمانی که تعالیم بودا توسط هرکس پیروی می‌شد) است (Asako, ۸-۹: ۱۹۹۵). اگرچه، هیچ پیشینه قطعی و مشخصی درخصوص «اوم شینریکیو» نوشته نشده است، اما برای کشف فرضیه خشونت مذهبی آخرالزمانی وی کافی است (Hall et al., ۲۰۰۰: ۱۱۲، ۱۰۸-۱۰۷، ۷۹). یکی از این فرضیه‌ها پیشنهاد می‌دهد که در مارس ۱۹۹۵، جنبش مزبور، هشدار اولیه درخصوص برنامه‌های پلیس برای حمله به «کامیکویشیکی» را دریافت نموده بود و اینکه این فرقه حمله در مترو توکیو را برای انحراف توجه از خودش انجام داده است. اما، جنبه‌های این فرضیه قابل باور نیستند. فرضیه دوم پیشنهاد می‌کند که حمله مترو توکیو تلاشی برای کودتا بوده است. انتخاب مکان حمله و دقت و صحت زمان آن در ساعت شلوغی صبح به‌نظر می‌رسد که هدف موردنظر به‌دقت انتخاب شده است، یعنی مقامات کارکنان دفاتر دولتی. براساس این فرضیه، چنانکه پیش از این نیز بیان نمودیم حمله به‌معنای بی‌ثبات‌نمودن دولت، جلوگیری از عملکرد آن، و شاید متوقف‌نمودن قدرت سیاسی آن بوده است. این دیدگاه دارای حمایت بیشتری در ژاپن است و شاید باور گسترده‌ای است که نتایج و پیامدهای خود را حداقل به‌عنوان چیزی بیش از توهم فرقه‌ای آخرالزمانی آساهارا برای وضعیت سیاسی دربردارد. در وهله نخست، فرضیه کودتا قادر به تشریح دیگر فعالیت‌های خشونت‌آمیز این فرقه از قبیل عمل ربودن، کشتارها و گسترش اولیه گاز نیست. در تحلیل نهایی، تنها فرضیه‌ای که می‌تواند قدر متیقنی را بر مبنای باورهای این فرقه و سال‌ها نزاع میان آنها و مخالفشان در گستره وسیع‌تری توجیه نماید این است که فعالیت‌های این گروه به‌لحاظ ابزاری و فنی در

۱. Period of Mappo

۲. shoho

چارچوب مبارزات آخرالزمانی گروه علیه آنچه که رهبران آن به‌عنوان نیروهای خارجی و بیرونی شیطان به‌تصویر کشیده‌اند، منطقی است. بنابراین، خط سیر خشونت مذهبی آخرالزمانی اوم شینریکیو به‌طورقابل توجه متمرکز بر دو مؤلفه بود. مؤلفه نخست، گروه با ایدئولوژی آخرالزمانی و مؤلفه دوم نزاع با مخالفان فرهنگی، رسانه‌ها، و مقامات دولتی به‌عنوان جانشینان (جایگزین‌های) دشمن در جنگ آرماگدون (پایان جهان).

به‌طورکلی، عوامل ذیل را به‌عنوان پرونده شخصیت تروریست‌های زیست‌محیطی متأثر از افکار مذهبی و آخرالزمانی می‌توان برشمرد (۶۲ - ۶۱: Hamden, ۲۰۱۸):

- سن: اخیراً شمار نوجوانانی که به این گروه‌های تروریستی پیوسته‌اند، افزایش یافته است. مرحله نوجوانی به‌لحاظ روان‌شناختی، مرحله دشواری است. در طول این دوره، فرد به خودآگاه در این زمینه می‌رسد که فردی جدا و مستقل، شکننده و آسیب‌پذیر است. این امر منجر به این می‌شود که فرد نیازی جدی به تعلق و هویت داشته باشد، به‌همین دلیل آنها اغلب پیرو یک مد یا گروه‌های پاپ شده و به باندهای مختلف می‌پیوندند. تعلق به گروه‌های خاص، جدایی آنها را تسهیل می‌کند و برای آنان هویت‌سازی می‌کند. با این وجود، این امر همچنین آنها را در برابر افراط‌گرایی مذهبی آسیب‌پذیر می‌سازد. از وابستگی مذهبی و تعلق به یک گروه تروریستی که در آن مذهب بیانگر یک جامعه مشترک است، باورهای مشترک به‌وجود می‌آید و آنها دارای یک ساختار خانوادگی می‌شوند.

- طبقه اجتماعی: شواهد تجربی زیادی موجود نیست که بیانگر همبستگی میان تروریسم و طبقه اجتماعی باشد. با این وجود، تروریست‌هایی از این نوع ممکن است یا از خانواده‌های ضعیف یا از اردوگاه پناهندگان باشند.

- تجربه‌های دوران کودکی و بزرگسالی: دقیقاً همان‌طور که هیچ پرونده شخصیت واحدی از تروریست‌ها وجود ندارد، هیچ‌گونه مجموعه‌ای از تجربیات ویژه در ارتباط با زندگی نیز نه ضروری است و نه شرط کافی برای منجر شدن به تروریسم. نقش تجارب زندگی در درک بستری برای تروریسم عمدتاً مبتنی بر مضامین خاص عاطفی و رفتاری است. در متون علمی امروزی، سه موضوع تجربی، قوی به‌نظر می‌رسد که عبارتند از: بی‌عدالتی، سوءاستفاده و تحقیر.

- انگیزه و آسیب پذیری: به طور کلی، پاسخی آسان یا انگیزه‌ای واحد برای توضیح چرایی تبدیل مردم به تروریست وجود ندارد. فرایندها و بسترهایی هم که موجب می‌شود این اتفاقات به وقوع بپیوندد، کاملاً گوناگون و متنوع است. محققان میان دلایل پیوستن به گروه‌های تروریستی، ماندن در این گروه‌ها و ترک آنها تفکیک قائل شده‌اند. آنها بدین نتیجه دست یافته‌اند که انگیزه‌ها ممکن است در هر مرحله‌ای مختلف باشد و حتی لزوماً به یکدیگر مرتبط نیستند. به نظر می‌رسد برخی از آسیب‌پذیری‌ها و درک مشترک میان کسانی که به تروریسم روی می‌آورند وجود داشته باشد که عبارتند از: تصور بی‌عدالتی، نیاز به هویت‌دارشدن و درنهایت نیاز به تعلق و وابستگی.

نتیجه‌گیری

اگر بازگشتی به پیشینه تروریسم داشته باشیم، مشاهده خواهیم کرد که استفاده از تسلیحات بیولوژیکی صرفاً بخش کوچکی از اعمال تروریستی آنها را تشکیل می‌داد. مجموعه اقدامات احتمالی در چارچوب تروریسم سنتی تنها متضمن اعمالی از قبیل آدم‌ربایی، قتل، انفجار انتحاری و هواپیماربایی، گروگان‌گیری و غیره بود. این در حالی است که امروزه اشکال نوینی از تروریسم ذیل عنوان تروریسم مدرن شکل گرفته است که تروریسم زیست محیطی یکی از این جمله اشکال است. ما در این پژوهش در مقام پاسخ به این سؤال بودیم که چه نمونه شخصیتی را می‌توان برای مرتکبان تروریسم زیست محیطی ارائه نمود. برای پاسخ به این سؤال و در راستای تحقق بخشیدن به اهداف این پژوهش از دو منظر بدین سؤال پاسخ می‌دهیم. از نگاه نخست و در پاسخ به این سؤال که چه نوع گروه‌هایی به حملات تروریستی زیست محیطی اقدام می‌کنند؟ باید این‌گونه استدلال نمود که رفتارهای اتخاذی از سوی گروه‌های تروریستی تا حد زیادی نتیجه طرز تفکر و باورهای آنان است. درحقیقت، الگوهای فکری اشخاص است که آنها را تبدیل به یک مجرم می‌کند. بدین ترتیب، تصمیمات جنایی برای ارتکاب جرم ناشی از الگوهای فکری غیرعادی است. در ارتباط با تروریسم زیست محیطی نیز رویدادهای رخ داده و مطالعات پیرامونی آنها و گروه‌های مرتکب نشان می‌دهد که نمی‌توان فرایندی تک‌عاملی را برای تبیین این پدیده و نوع تفکر و باورهای آنان

برگزید. درحقیقت، رفتارهای تروریستی را باید نتیجه عوامل مختلفی از قبیل عوامل جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، اقتصادی، فرقه‌ای و مذهبی و... دانست. البته همان‌طور که بیان شد نظریه‌ای قطعی تاکنون در باب چرایی تمایل به تروریسم زیست‌محیطی بیان نشده است. تروریست‌ها به دلیل عدم توانایی در دستیابی به اهداف خیالی خود از طریق ابزار متعارف، تلاش می‌کنند با ترساندن عموم مردم، حامل یک پیام سیاسی، یا مذهبی به آنها باشند. درخصوص تروریسم زیست‌محیطی نیز چنان است. مطالعات درخصوص فرقه‌های آخرالزمانی و با تأکید بر گروه «اوم شینریکیو» و به‌ویژه رهبر آن «شوکو آساهارا» نشان داد که عمده افراد و گروه‌هایی که تمایل به استفاده از عوامل زیست‌محیطی در حملات تروریستی خود دارند، اصولاً درگیر اختلالات روان‌شناختی به‌ویژه اختلال پارانوئید نسبت به قدرت‌ها و حکومت‌های موجود در عرصه بین‌المللی یا عموم مردمان جهان به‌عنوان نیروهای شیطان هستند. اگر بخواهم از نگاه دیگر به این مسئله نگاه کنیم که چرا فرقه‌های مزبور جهت تحقق بخشیدن به اهداف خود استفاده از عوامل زیست‌محیطی را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزار در حملات خود به‌کار می‌گیرند؟ باید استدلال نمود که این عوامل و به‌ویژه عوامل بیولوژیکی که یکی از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های این عوامل است، در مقایسه با دیگر تسلیحات نه تنها می‌تواند تحقق بخش اهداف این گروه‌ها از حملات تروریستی یعنی کشتار و ایجاد رعب و وحشت در مقیاس گسترده باشد و با توجه به فرایند طولانی کشف این عوامل و مشکلات زیاد درخصوص مقابله با بیماری‌های ناشی از آن تا حد زیادی فرایند مقابله با آنان را پیچیده و دشوار نماید بلکه، هم به لحاظ اقتصادی برای این گروه‌ها مقرون به صرفه است و هم اینکه تسلیحات مبتنی بر این عوامل می‌تواند درعین کمی مقدار، بیشترین تأثیر را بر گروه یا جامعه مورد هدف داشته باشد. اگرچه، برخی از این گروه‌ها به‌ویژه فرقه «اوم شینریکیو» دارای گروه و کادری بسیار مجرب و متخصص در علوم گوناگون نیز بود. همچنین، عامل دیگری که می‌تواند میزان استفاده از این عوامل را گسترش دهد اختلال شیء‌پرستی^۱ در رهبران این فرقه‌هاست، به نحوی که در بسیاری از موارد آنها بیش‌ازحد به استفاده از این عوامل خاص جهت تحقق بخشیدن به اهدافشان در

۱. Fetishism

حملات تروریستی علاقه و تمایل دارند. به طور خلاصه می توان اختلال پارانوئید، اختلال شیء پرستی، ذهنیت و باورهای آخرالزمانی و بنیادگرایانه، انگیزه انتقام جویی مذهبی و مقابله با حکومت های سکولار و آنها را مشابه نیروهای شیطانی دانستن و در نهایت اعتقاد بر داشتن مأموریتی برای پایان بخشیدن به دنیا را به عنوان عمده ویژگی ها و خصوصیات شخصیتی مرتکبان تروریسم زیست محیطی برشمرد.

منابع

فارسی

۱. پورسعید، فرزاد (۱۳۹۶)، ضد تروریسم نوین، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیستم، شماره سوم: ۱۷۷ - ۱۴۳.
۲. پورهاشمی، سید عباس؛ پیمان، نمایان و طیبی، سبحان (۱۳۹۴)، جرم‌نگاری تروریسم زیست محیطی چالش‌ها، هنجارها و راهبردها، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره هفدهم، شماره ۱: ۱۸۲ - ۱۶۷.
۳. شاه‌حسینی، محمد حسن (۱۳۸۰)، بیوتروریسم: شیخ جنگ‌های بیولوژیک، طب نظامی، شماره ۳(۴): ۲۰۹ - ۲۰۱.
۴. کاویانی راد، مراد (۱۳۹۰). امنیت زیست‌محیطی از منظر ژئوپولیتیک، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۲۳: ۱۰۶ - ۸۵.

انگلیسی

۱. Bostrom, Nick, Ćirković, Milan M., Global Catastrophic Risks, Oxford University Press, 1ed, ۲۰۰۸.
۲. Bowyer, JB (۱۹۸۵). «Old Trends And Future Realities», Washington quarterly.
۳. Carus, W. Seth, Bioterrorism and Biocrimes: The Illicit Use of Biological Agents Since ۱۹۰۰, Working Paper, Center for Counterproliferation Research National Defense University Washington, D.C., Fredonia Books (NL), ۲۴ September ۲۰۰۲.
۴. Charles D. Ferguson, "WMD Terrorism", in Nathan E. Busch and Daniel H. Joyner (eds), Combating Weapons of Mass Destruction: The Future of International Nonproliferation Policy, Studies in Security and International Affairs, University of Georgia Press, Athens, GA, ۲۰۰۹.
۵. Clarke, Peter B. and Somers, Jeffrey (۱۹۹۴). Japanese 'New' and 'New New' Religions: An Introduction, in Clarke and Somers, eds., Japanese New Religions in the West (Sandgate, Folkestone, Kent, England: Japan Library).
۶. CSIS (۱۹۹۹). Report No. ۲۰۰۰/۰۳: Domsday Religious Movements, December ۱۸, Perspectives Publication.

۷. Encyclopedia Britannica (۲۰۱۸). Ecoterrorism, Encyclopedia Britannica Online, Encyclopedia Britannica Inc., Web. ۲۰ Aug., Lorraine Elliott.
۸. Hall, John R., Schuyler, Philip D. and Trinh, Sylvaine (۲۰۰۰). APOCALYPSE OBSERVED: Religious movements and violence in North America, Europe and Japan, London: Routledge.
۹. Hamden, Raymond H., Psychology of Terrorists: Profiling and Counter-Action, CRC Press, ۱ed, ۲۹ November ۲۰۱۸.
۱۰. Hudson, R.A. (۱۹۹۹). The sociology And Psychology of Terrorism: Who Becomes A Terrorist And Why?, library of congress, Washington D.C..
۱۱. Hudson, Rex (۲۰۱۸). Who becomes a terrorist and why: the psychology and sociology of terrorism, Skyhorse publishing.
۱۲. Katz , Rebecca and Zilinskas , Raymond A.(۲۰۱۱). Encyclopedia of Bioterrorism Defense, ۲nd Edition, Wiley-Blackwell.
۱۳. Makari, George , Revolution in Mind: The Creation of Psychoanalysis (New York: Harper Perennial, ۲۰۰۸).
۱۴. Meulenbelt, Stephanie E., Nieuwenhuizen, Maarten S. (۲۰۱۵), Non-State actors' pursuit of CBRN weapons: From motivation to potential humanitarian consequences, International Review of the Red Cross, ۹۷ (۸۹۹), ۸۳۱-۸۵۸.
۱۵. Moghaddam, Fathali , From the Terrorist' Point of View: What They Experience and Why They Come to Destroy (Westport, CT: Praeger, ۲۰۰۶).
۱۶. Norbeck, Edward (۱۹۷۰). Religion and Society in Modern Japan: Continuity and Change Houston, Tourmaline Press.
۱۷. Simon, Jeffrey D. Terrorists and the Potential Use of Biological Weapons: A Discussion of Possibilities, RAND report R-۳۷۷۱-AFMIC, December ۱۹۸۹.
۱۸. Stern, Jessica (۱۹۹۹). The Ultimate Terrorists, Cambridge: Harvard University Press.
۱۹. Thaler Singer, Margaret and Lalich , Janja (۱۹۹۵). Cults in Our Midst: The Hidden Menace in Our Everyday Lives, San Francisco, CA: Jossey-Bass Publishers.
۲۰. Crenshaw, Martha. (۲۰۰۷). The Debate over "New" vs. "Old" Terrorism, Prepared for Presentation at the Annual Meeting of the American Political Science Association, Chicago, Lllinois, August ۳۰ September ۲, ۱-۳۴.
۲۱. Hafez, Mohammed, Mullins, Creighton (۲۰۱۵), The Radicalization Puzzle: A Theoretical Synthesis of Empirical Approaches to Homegrown Extremism, Studies in Conflict & Terrorism, ۳۸:۱۱, ۹۵۸-۹۷۵.
۲۲. Hoffman, Bruce. (۱۹۹۵). Holy Terror: The Implications of Terrorism Motivated by a Religious Imperative, Studies in Conflict and Terrorism, Vol. ۱۸, No. ۴, ۲۷۱-۲۸۴.
۲۳. Kukhianidze, Lasha. (۲۰۱۶). Criminological Analysis of Terrorism, European Scientific Journal October, edition vol. ۱۲, No. ۲۹, ۱-۹.

۲۴. Mettraux, Daniel A. (۱۹۹۵). Religious Terrorism in Japan: The Fatal Appeal of Aum Shinrikyo, *Asian Survey*, Vol. ۳۵, No. ۱۲ (Dec.), University of California Press, ۱۱۴۰-۱۱۵۴.
۲۵. Radosavljevic, Vladan and Belojevic, Goran, (۲۰۰۹), A New Model of Bioterrorism Risk Assessment, *Biosecurity and Bioterrorism: Biodefense Strategy, Practice, and Science* Volume ۷, Number ۴, ۴۴۳-۴۵۱.
۲۶. Takaesu, Asako, "Piano of the Mind" and "The Logic of Altered States" (۲۹ April ۱۹۹۵). *Japan Times Weekly* (Japan edition).
۲۷. Victoroff, Jeff, "The Mind of the Terrorist: A Review and Critique of Psychological Approaches," *Journal of Conflict Resolution* ۴۹, no. ۱ (February ۲۰۰۵): ۳-۴۲.
۲۸. Westing, Arthur H. (۱۹۸۵). *Environmental Warfare*, Vol. ۱۵. No. ۴, ۶۴۵-۶۶۶.
۲۹. Draft report of the North Atlantic Assembly, *Chemical and Biological Weapons: the Poor Man's Bomb*, AN۲۵۳ STC(۹۶)۸, October ۴, ۱۹۹۶.

